

هجاب شرعی

سوره به نام سوره [نور] خوانده می شود. در آغاز این سوره می خوانیم:
ما این سوره قرآن را نازل کردیم و اجرای آن را بر همگان حتم و لازم نمودیم. در این سوره آیات روشنی نازل کردیم باشد که شما خود احکام آن را دریابید.
از جمله این احکام مساله هجاب است: در آیه ۳۰ هجاب مردان و در آیه ۳۱ هجاب بانوان مشخص شده است.

ازار برای مردان

آیه سی ام که هجاب مردان را مشخص می کند از این قرار است:
قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک ازکی الهم ان الله خبیر خبیر بما یصنعون.
ای رسول ما! به مردان مومن بگو: چشم خود را فرو بخوانند و از چاک دامن خود نیز مراقبت به عمل آورند. این شیوه به پاکی جان آنان نزدیکتر است. به یقین خداوند به کارهایی که صورت می دهد آگاه و با خبر است.
در این آیه و آیه بعدی دو نوبت کلمه [فرج] به کار رفته است.
در همه موارد [فرج] را به معنای [چاک دامن] ترجمه کردیم.
در لغت اصیل عرب غیر از مفهوم چاک و شکاف معنای دیگری برای این کلمه یاد نشده است. در معاجم لغت و فرهنگنامه ها و نوشته اند که [فرج] به معنای قبای چاکدار است.

امام ابو عبدالله صادق [ع] می گوید: اگر کسی شلوار نپوشد و تنها یک پیراهن ضخیم بیود و یا قبائی بیپوشد که فرج آن کوتاه باشد (یعنی چاک آن تا کمر نرسد) می تواند نماز بخواند [۱]

علت آن که قرآن مجید می فرماید: مراقب چاک لباس خود باشید. آن است که در عهد نزول قرآن مردم خصوصا مردم جزیره العرب دو - سه متر پارچه نادوخته را مانند لنگ حکام به کمر می بستند تا عورت خود را ستر کنند. نام این قطعه لباس در زبان عرب [ازار] (بر وزن کتاب) است. در زبان عامیانه فارسی به آن [بستن] می گویند و در زبان آن بر روی هم قرار خواهد گرفت و مانند دامن زمانه ساتر خواهد بود ولی به هنگام راه رفتن و نشستن و برخاستن و خم و راست شدن چاک آن باز می شود و احيانا عورت آدمی مکشوف می گردد از این روی قرآن مجید می فرماید: [مراقب چاک دامن خود باشید که باز نماند و اگر چاک دامن دیگران باز بود از نظر دوختن به عورت آنان خودداری کنید و چشم خود را فرو بخوابانید] [۲]

در این قسمت آیه صنعت ادبی [احتیاج] به کار رفته است. احتیاج یعنی قرینه بندی متقابل که صدر و ذیل سخن یکدیگر را در آغوش بگیرند و کامل کننده هم باشند. این شیوه از ابداعات قرآن مجید است و در آیات فراوانی به کار رفته است. از جمله در سوره مومن آیه ۶۱ که می گوید: جعل لکم اللیل لتسکنا فیه و النها و مبصر. خداوند شب را آفرید تا آرامش بیابید و روز را روشن آفرید.

چنانکه ملاحظه می شود ظاهرا صدر و ذیل آلام ناتمام است ولی با توجه به قرینه بندی متقابل عبارت به این صورت تکمیل می گردد: [خداوند شب را تاریک آفرید تا آرامش بگیرید و روز را روشن آفرید تا برای تلاش معاش برخیزید]

آیه مورد بحث هم به این صورت کامل می شود: [ای پیامدار حق! به مردان مومن بگو: چشم خود را از چاک دامن دیگران فرو بخوابانند و مراقب چاک دامن خود نیز باشند که از معرض دید دیگران محفوظ نگه دارند]

امام ابو عبدالله صادق علیه السلام در ذیل این آیه به صراحت اعلام رکنه است که: [در قرآن مجید هر جا سخن از حفظ [فرج] به میان آمده باشد منظور خداوند عفت و پاکدامنی و ترک فحشاء است. به جز آیه مزبور که منظور الهی رعایت هجاب و دامن از نظاره دیگران می باشد لذا هیچ مرد مومنی روا نیست که: در چاک دامن مومن دیگر نظر بدوزد و بر هیچ بانوی مومنی روا نیست که در چاک دامن یک بانوی مومن نظر بدوزد و عورت او را دید بزند]. ۳

از مفسرین صدراول ابن زید و ابوالعالیه نیز آیه را به همین صورت تفسیر کرده اند. ۴

در قرآن مجید دو آیه دیگر وجود دارد که سخن از حفظ فرج به میان آورده است و منظور آیه عفت و پاکدامنی است. متن آیه به این صورت در دو سوره تکرار شده است: والذین هم لفروجهم حافظون الاعلی ازواجهم او ماملکت ایمانهم ۵. آنان که نگهبان چاک دامن خود باشند جز در برابر همسران خود یا کنیزان خود نکوهشی بر آنان نخواهد بود.

در این دو آیه نامبردن و همسران و کنیزان قرینه است بر این که موضوع آیه عفت و پاکدامنی است اگر چه ضمنا مساله هجاب را هم مطرح کرده است و ایجاب می کند جز در برابر همسران و کنیزان شخصی نباید دامن خود را فرو هشت.

باید توجه داشت که از عهد نزول قرآن کلمه [فرج] در معنای عورت و آلات تناسلی شهرت یافته است ولی چون در ریشه لغت عرب به معنای چاک و شکاف است قهرا در معنای عرفی آن که عورت باشد به صورت کنایه و مجاز استعمال شده است زیرا باز شدن چاک دامن باعث می شود که عورت مکشوف شود و حفظ دامن باعث می شود که عورت مستور بماند.

این کنایه و مجاز بعد از نزول آیات مزبور و دستور حفظ فرج (خواه به معنای عفت و پاکدامنی و خواهد به معنای ستر عورت) رفته رفته شهرت یافته است لذا آیات مزبور به معنای اصلی کلمه حمل می شود نه به معنای جدیدالولاده ای که از خود قرآن نشأت گرفته است.

در هر حال حجاب ضروری مردان با همین یک قطعه لباس ساده به نام فوطه و ازار کامل می شود لذا باید گفت که: مومنان بایداز ناف تا زانو را مستور بدارند جز این که سنت رسول الله که بر اساس تقوای دینی تاسیس شده است دستور می دهد که دامن فوطه را تا نیمه ساق پا بلند بگیرند تا در هنگام خم و راست شدن قسمت بالای ران مکشوف نگردد.

ضمناً باید متذکر شوم که: این حکم ویژه مومنان است و گرنه قرآن مجید درباره بنی آدم فقط ایجاب می کند که شرمگاه خود را نهان بدارند. (توضیح این مطلب به صورت خلاصه در بحث بعدی خواهد آمد)

رداء بالا پوش برای مردان:

قرآن مجید در سوره اعراف آیه ۲۶ خطاب به فرزندان آدم می فرماید: یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباسا یوارى سوء اتمکم و ریشا و لباس التقوی ذلک خیر. ای فرزندان آدم! به یقین ما برای اندام شما جامعه‌ای نازل کردیم که شرمگاهتان را پنهان سازد و جامعه دیگری تا پروبالی باشد برای بازوها و شانه‌های عریانتان. این دو جامعه تن و اندام شما را می پوشاند و جامعه تقوا بهتر است که شما را از پلیدیهای فحشاء محفوظ نگه می دارد. جامعه اول همان آزار است که به کمر می بندند و حداقل شرمگاه خود را پنهان می کنند و اگر جامعه ای عریض باشد از ناف تا زانو و یا از ناف تا ساق را می پوشاند.

جامعه دوم رداء و بالاپوش نامیده می شود که مانند پروبال پرندگان زینت شانه‌ها و بازوهای عریان آدمی است و اگر عریض تر باشد پهلوها و شکمها را نیز خواهد پوشاند.

در این آیه چنانکه ملاحظه شد خطاب به فرزندان آدم است: [ای فرزندان آدم! گر چه شما به قرآن ما و رسالت رسول ما ایمان نیاورده باشید شایسته آن است که توصیه ما را از نظر انسانی بپذیرید. مبدا لخت و عور در برابر اجنبی ظاهر شوید که این کردار شما فاحشه یعنی: رسواترین رسوائی است و حتی المقدور جامعه دیگری بردوش خود حمایل کنید که دست و بال شما همچون پر و بال پرندگان زینت بگیرد]

بیش از این بحث رداء را دنبال نمی کنیم. فقط خاطرنشان می سازیم که بالهام از همین آیات و بالاخص الهام از آیه ۳۱ از همین سوره نور که بحث آن را نیاوردیم رسول خدا به دو قطعه لباس ساده نادوخته اکتفا می کرد: کان علیه (ص) ازار ورداء.

قطعه اول ازار که مانند لنگ حمام از ناف تا نیمه ساق را می پوشاند.

قطعه دوم رداء که بر دوشها حمایل نموده دو طرف آن را بر دوش چپ مستقر می نمود.

این لباس رسمی اسلام و قرآن است که توصیه می شود این همان سنت رسول الله است که پیروی آن در مراسم حج و عمره ضروری است نه یک قطعه بیشتر و نه یک قطعه کمتر.

ازار. دامن برای بانوان:

آیه ۳۱ سوره نور که حجاب بانوان را مورد بحث قرار می دهد می فرماید: قل للمومنات یغضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن. ای رسول! به بانوان مومن بگو: چشم خود را فرو بخوانند و از چاک دامن خود مراقبت نمایند.

این قسمت از آیه ۳۱ سوره نور درست همانند آیه ۳۰ از سوره نور همان تکلیفی را متوجه بانوان می سازد که متوجه مردان شده بود. صنعت [احتیابک] و قرینه بندی متقابل هم در این جا برقرار است و صورت کامل آیه چنین خواهد بود: ای رسول! به بانوان مومن بگو: چشم خود را از چاک دامن دیگران فرو بخوابانند و از چاک دامن خود مراقبت کنند که از دیگران مستور بماند.

البته مراقبت بانوان از چاک [ازار] خود با حساسیتی که نسبت به آن وجود دارد موجب شده است که چاک ازار خود را بدوزند و به صورت دامن بر تن بیاریند و سالهاست که از این جهت مشکلی ندارد. به خاطر همین حساسیت است که قرآن مجید تبصره ای به حکم مزبور اضافه کرده و می فرماید: ولایبدین زینتهن الا ما ظهر منها: زینتی را که در زیر دامن نهان می شود آشکار نسازند جز آن که در حال راه رفتن و خم و راست شدن به خودی خود ظاهر شود.

زینتی که در زیر دامن و یا ازار خانمها نهان می شود وامکان آشکار شدن آن وجود دارد ساق پاهاست که عنوان عورت ندارد تا کشف آن حرام باشد ولی چون زینت خانمها محسوب می شود در برابر اجنبی باید مستور بماند. از این روی خانمها باید در کوچه و بازار دامن خود را تا روی پا بلند بگیرند و بر اساس استثنائی که دارد اگر در حال راه رفتن و یا خم و راست شدن قسمتی از ساق پا مکشوف شود اشکالی نخواهد داشت. (در این زمینه باز هم ملاحظاتی به عرض خوانندگان خواهد رسید)

خمار. شل برای بانوان:

قرآن مجید در ادامه بحث خود راجع به حجاب بانوان می فرماید: ولیضر بن بخمرهن علی جیوبهن. بانوان باید خمار خود را زیر گلو گره بزنند.

خمار هم مانند ازار و رداء یک قطعه جامعه نادوخته است که در صدر اسلام پوشیدن آن متداول بوده است: ازار برای زن و مرد، رداء برای مردان که بردوش و پهلو بپوشند. خمار برای زن که بر سر بیندازد و سر و سینه و پهلو را بپوشاند و تنها دست و صورت او مکشوف بماند. چنانکه ملاحظه می شود باز هم قرآن مجید طرح نوی برای ستر بدن ارائه نمی دهد و دستور دوخت و برش صادر نمی کند بلکه تنها ملاحظاتی بر آن می افزاید تا آرمان خود را توصیه و تامین کند.

قرآن مجید فرمان می دهد که: خانمها خمار خود را بر سر و بر خود نپوشند که هنگام راه رفتن و حرکت دادن دستها بلغزد و باز شود بلکه مانند شغل بر سر بیندازند و زیر گلو گره بزنند یا کوک بزنند و یا سنجاق بزنند تا در هنگام حرکت دستها خمارشان روی شانه ها نلغزد و سر و بر آنان مکشوف نگردد. با پوشیدن خمار و یا شغل که تا روی دامن بیاید طبیعی است که دستها تا نیمه ساعداز زیر آن خارج خواهد ماند و فقط قسمت بالای ساعد که گوشتین است مانند ساق پا مستور می شود ولی همان تقوایی که در باب ازار و دامن ایجاب می کرد تا آن را بلندتر تهیه نمایند که در حال خم و راست شدن بالا نجهد و ساق گوشتین زن عربان نشود دراین جا هم ایجاب می کند که خمار و شغل چندان بلند و عریض باشد که در حال خم و راست شدن فاصله شغل با دامن مکشوف نگردد و بالای ناف و به موازات آن پهلو و پشت عربان نشود که دراین صورت ساعد دستها تا حدود میچ نیز در زیر خمار و شغل مستور خواهد گشت. باز براساس استثنائی که دارد اگر در حال حرکت دستها قدری بالا برود و تا نیمه ساعد عربان شود اشکال نخواهد داشت.

ضمناً همانطور که در باب ازار و رداء (لباس رسمی مردان) گفتیم این دو قطعه لباس هم که ازار و خمار باشد لباس رسمی بانوان است که قرآن توصیه می کند و پوشیدن آن در مهمانی رسمی حج و عمره ضرور خواهد بود نه یک قطعه بیشتر و نه یک قطعه کمتر. از این روی زنان از پوشیدن ساتر دیگری چون: دستکش و آویختن نقاب در حال احرام منع شده اند.

سعید بن جبیر می گوید: [قرآن مجید که می فرماید: بانوان باید خمار خود را زیر گلو گره بزنند] برای آن است که سینه آنان آشکار نشود. ۶

ساعه بن مهران می گوید: ابوعبدالله امام صادق علیه السلام گفت: خانمها می توانند بر چهره خود نقابی بزنند و نماز بخوانند؟

ابوعبدالله گفت: اگر پیشانی را باز بگذارند مانعی نیست ولی اگر تمام چهره خود را بکشایند بهتر است. ۷

قتاده می گوید: از رسول خدا حدیث آمده است که فرمود: هیچ خانمی که خدا و روز جزا را باور کرده است حق ندارد دست خود را از زیر خمار خود بیرون بیاورد مگر تا این جا. با دست خود نیمه ساعد اشاره کرد. ۸

امام صادق [ع] فرمود: بانوئی که لباس احرام می پوشد از هر نوع پارچه ای می تواند استفاده کند جز حریر خالص که نباید ازار و خمار او ابریشمی باشد و غیر از دستکش که نباید بر دست کنند]

ابوعبدالله صادق از پوشیدن نقاب هم که بر روی صورت بیاویزند اظهار کراهت کرد و فرمود: [خانمها فقط می توانند پارچه ای بر روی پیشانی بیاویزند که تا روی چشمها بیاید]. ۹

امام ابوعبدالله صادق علیه السلام نقل کرد که: [یدرم ابوجعفر باقر علیه السلام از پوشیدن نقاب و دستکش برای خانمهایی که در حال احرام باشند کراهت داشت]. ۱۰

البته در حال عادی پوشیدن این لباس رسمی ضرورت ندارد.

در زمان رسول خدا و در عهد امامان نیز بانوان اسلامی از لباسهای دوخته استفاده می کرده اند و پیراهن و بلوز و دامن و شغل می پوشیدند و گاهی شغل را روی دوشها می انداخته اند و سر خود را با مقنعه می پوشیده اند.

باری بحث حجاب ضروری بانوان در این جا خاتمه می یابد ولی همانطور که قرآن مجید در قسمت [ازار] بانوان تبصره ای بر آن افزود در باب خمار هم تبصره ای دارد که تکلیف بانوان را در برابر محارم و غیرمحارم روشن می سازد. تبصره به این صورت است:

ولاییدین زینتهن الا لبعولتهن او آبائهن او آباءه بعلوتهن او ابائهن او ابنا بعلوتهن او ابنا بعلوتهن او بنو اخواتهن او بنو اخواتهن او نسائهن او ماملکت ایمانهن اوالتابعین غیراولی الاربه من الرجال اوالطفل الذین لم یظهر واعلی عورات النساء ۱۱. خانمها که خمار خود را زیر گلو گروه می زنند حق ندارند ساعد خود را و یا زلف و گیسوی خود را که زینت خدایی آنان به شمار می آید از زیر خمار آشکار نمایند جز در برابر: شوهران خود یا پدران خود یا پدران شوهران خود یا پسران خود یا پسران شوهران خود یا برادران خود یا پسران برادر خود یا پسران خواهر خود یا خانمهای فامیل خودشان یا غلامان زر خریدشان یا ملازمانی که شهوت مردی ندارند و یا آن کودکانی که از مسائل جنسی بی خبرند.

در این تبصره دوازده طبقه استثناء شده اند که خانمها می توانند در برابر آنان سر و ساعد خود را عریان نمایند و تنها با یک پیراهن دامن بلند و یا بلوز و دامن و یا شغل و دامن (بدون روسری و یا کلاه) ظاهر شوند. قهری است که استثناء باید در همین دوازده طبقه منحصر باشد زیرا متن آیه شریفه بالاستقصای کامل همه جوانب استثناء را در نظر گرفته و جایی برای استثنای عرفی باقی نگذاشته است. اگر استثنای عرفی ماخذ و ملاک می بود آیه مزبور شوهران و زنان فامیل و کودکان و خواجهگان را نام نمی برد و به نظر عرف و اجتماع حواله می کرد.

بنابراین نوکر راننده همکلاس همدرس برادر شوهر شوهر خواهر و امثال آنان جدا بیگانه و اجنبی محسوب می شوند و پوشیدن موی سر در برابر آنان ضرور و واجب خواهد بود.

نکته شایان تذکر آن است که پوشیدن موی سر با هر وسیله که باشد به عفت جنسی ربطی ندارد بلکه یک تشریف اسلامی است تا خانمهای آزاده مومن از زنان یهود و نصاری و مجوس ممتاز باشند و لذا می بینیم که حتی کنیزان مسلمان از پوشیدن موی سر معاف بلکه ممنوع بوده اند. اسحاق بن عمار می گوید: [به ابوالحسن امام کاظم علیه السلام گفتیم: غلام زرخرید خانم حق دارد به گیسوی خانم خود نگاه کند؟ ابوالحسن گفت: آری و به ساق پایش هم می تواند نگاه کند]. ۱۲.

عبدالرحمن بن ابی عبدالله می گوید: [از امام صادق علیه السلام پرسیدم: غلام زرخریدی که متعلق به خانم باشد می تواند به گیسوی خانم خود و ساق پاهایش بنگرد؟ ابوعبدالله گفت: اشکالی ندارد] ۱۳.

محمد بن اسماعیل بن بزيع می گوید: [از ابوالحسن الرضا علیه السلام پرسیدم: خانمهای آزاده گیسوی خود را باید در برابر خواجهگان که شهوت مردی ندارند بپوشند؟ ابوالحسن گفت: خواجهگان به حیاطاندرونی پدرم آمد و شد می کردند و خواهرانم مقتعه بر سر نمی کردند. گفتیم: خواجه آواد بودند یا برده؟ ابوالحسن گفت: نه برده زرخرید بودند. گفتیم: اگر زرخرید نباشند و استخدام شده باشند خانمها باید در برابر آنان مقتعه بر سر کنند؟ ابوالحسن گفت: نه] ۱۴.

امام ابو جعفر باقر [ع] گفت: [بانوی مسلمان می توان عوض خمار با یک بلوز و یک مقتعه نماز بخواند موقعی که بلوز او ضخیم باشد]. ۱۵.

امام ابو جعفر باقر [ع] گفت: کنیزان زرخرید لازم نیست که مقتعه بر سر کنند ۱۶.

در این زمینه نصوص شرعی فراوان است. در همه موارد سوال و جواب از زینتهای طبیعی بانوان است که ساق پا و ساعد دست و زلف و گیسو باشد نه خلخال و گردنبند و گوشواره و امثال آن و یا سرخاب و سورمه و سفیدآب و نظائر آن که سایر مفسرین متعرض شده اند. علاوه بر این در فرهنگ قرآن مجید همواره کلمه [زینت] در مورد زینتهای طبیعی به کار رفته است و از زیور آلات زنانه در قرآن مجید به نام [حلیه] یاد می شود که مانند لباس جنبه عاریتی دارد. بنابراین در آیه حجاب هم که سه نوبت کلمه [زینت] بانوان مطرح شده است به تایید احادیث اهل بیت همان زینتهای طبیعی خدائی است که در ترجمه و تفسیر آن متذکر شدیم و آن دسته از مفسرین اسلامی که پای زیورآلات عاریتی را در ترجمه و تفسیر آیه به میان آورده اند در اثر همین غفلت مشکلات ادبی لاینحلی به جاگذاشته اند. حتی کسانی که گفته اند:

[به حکم آیه شریفه آشکار ساختن آن اندامی حرام است که با زیورآلات زنانه تزئین می شوند نه خود زیورآلات]. دچار مشکلات دیگری شده اند که اینک جای بحث آن نیست. در هر حال قرآن مجید در مورد [ازار] بانوان تبصره ای داشت بدین شرح:

۱- باید زینت ساق و پا و مستور بماند جز در موقع راه رفتن.

۲- درباره خمار بانوان بود که تکلیف ساعت و زلف و گیسو را در برابر اجانب و محارم روشن کرد. در آخرین فصل آیه تبصره دیگری دارد که درباره خمار و آزار هر دو صادر شده است و احتیاط بیشتر را ایجاب می کند. ولایض بر بن بارجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن. مبدا بانوان پای خود را محکم به زمین بکوبند تا زینت پنهان شده را آشکار نمایند.

زینتی که در تبصره اول پنهان کردن آن لازم شد ساق پا بود و زینتی که در تبصره دوم پنهان کردن آن لازم شد ساعد و زلف و گیسو بود. تبصره سوم دستور می دهد که خانمها نباید با دویدن و ورزش کردن و پایکوبی ساق پا را که در حال عادی زیر دامن پنهان است آشکار نمایند و یا در اثر جست و خیز ساعد خود را تا آرنج از زیر شنل و خمار بیرون کنند و یا زلف و گیسوی خود را از زیر مقتعه و کلاه و کناره صورت برملا نمایند مگر آن که با پوشیدن جوراب و شلوار و کلاه احتیاط لازم را به عمل آوردن و سپس به ورزش بپردازند.

نگارنده این سطور که در همه جا زینت بانوان را زینت طبیعی می داند [یعلم] را در متن آیه فعل مجهول از باب افعال می داند که معنای [اعلال و افشاء و برملا کردن] می دهد. کسانی که زینت را به زیورآلات زنانه تفسیر کرده اند کلمه [یعلم] را فعل مجهول ثلاثی گرفته اند از این روی در ترجمه و تفسیر آیه می نویسند: [بانوان پای خود را بر زمین نکوبند که معلوم شود حلقه و خلخال به پا دارند]

گویا اگر معلوم شود که خانم حلقه و خلخال به پا دارد (گرچه از راه پایکوبی خانم نباشد بلکه مردم با چشم خود آن را ببینند) گناهی اتفاق افتاده است.

در خاتمه این فصل متذکر می شوم که براساس این ترجمه و تفسیری که بیان کردیم پوشیدن تمام بدن از بالای قفسه سینه تا نیمه ساق پا بر بانوان لازم است حتی در برابر پدر و برابر تا چه رسد به سایرین.

خانمها فقط می توانند در برابر شوهران خود [ازار] و [خمار] خود را بردارند و استثنای آن در آیه ۱۸۷ سوره بقره عنوان صریح دارد که می فرماید: هن لباس لکم و انتم لباس لهن.

و در آیه ۵ سوره مومنون و یه ۳۰ سوره معارج که توضیح و ترجمه آن گذشت.

سادات و بانوان شوهردار: در سوره احزاب آیه ۵۹ دستور ویژه ای هم برای خانمها سادات و بانوان شوهردار صادر شده است: یا ایها النبی قل لزوجک و بناتک و نساء المومنین یدنین علیهن من جلابیهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین. ای پیامبر به همسران و دختران و خانمهای مومنین بگو: جامه عریضی بر تن بیاریند. این جامه بهترین وسیله ای است که می تواند مایه امتیاز و شناخت آنان باشد که مورد آزار و تعرض قرار نگیرد. کلمه نساء در این آیه به معنی خانمهای شوهردار است. جلاب پارچه ای است که از نظر طول و عرض به ملافه و شمد شباهت دارد.

بر اثر جمود و پافشاری برخی در اجرای همین حکم چادر شب لحاف را بر تن خانمها کرده اند!

حکم این آیه شریفه سه دسته از خانمها را شامل شده است:

۱- همسران رسول خدا که اینک وجود خارجی ندارند.

۲- دختران پیامبر که همه خانمهای سادات را فرا می گیرد.

۳- بانوان شوهردار.

این سه گروه باید با پوشیدن یک جامه گشاد و بلند شخصیت والای خود را به جامعه اعلام کنند تا مبدا بی خردان با آنان تماس بگیرند و بگویند که: [آرزوی همسری دارند]

این مساله در مورد زنان شوهردار واضح و روشن است. فقط در مورد خانمهای سالت در صورتی که شوهر نداشته باشند نیاز به توضیح دارد. گرچه در زمان حاضر دنبال کردن بحث آن موضوعیت ندارد.

موضوع حکم از این قرار است که با نزول آیه عز سوره احزاب که گفت: النبی اولی بالمومنین من انفسهم وازواجه امهاتهم واولوالا رحام بعضهم اولی ببعضی کتاب الله من المومنین والمهاجرین کان ذلک فی الکتاب مسطورا. رسول خدا از خود مومنان وپیشتر است و همسران رسول خدا مادران مومنانند و خویشان رسول خدا با هم موالات ویژه ای دارند و نسبت به هم وپیشترنداز مومنان و مهاجران ... این حکمی است که در کتاب خدا ثبت است.

در نتیجه بعد از امامان معمول و متداول شد که برای سادات نقیبی معین شود تا مولا و سرپرست همه آنان باشد و از جمله هیچ کس از سادات چه زن و چه مرد بی اجازه او ازدواج نکند از این روی تماس گرفتن با دختران و زنان بیوه سادات مجاز و مشروع نخواهد بود جز با اجازه نقیب آنان. لذا باید شعار خانمهای شوهردار و مومن را بر تن بیارند تا با شناخت آنان کسی به منظور آشنایی بیشتر و انتخاب همسر تماس شخصی برقرار نسازد.

در هر حال بدیهی و روشن است و لفظ آیه کریمه نیز صراحت دارد که این لباس جنبه تشریفاتی دارد نه حجاب شرعی لذا مانعی نخواهد داشت که در تابستان از تور نازک و یا حریر وابریشم انتخاب شود و روی شانه ها قرار بگیرد تا ایجاد گرما نکند و در زمستان از فاستونی و برک و مخمل تهیه شود تا هم دافع سرما باشد و هم مایه شوکت و جلال. اگر این پارچه را به صورت شل متداول کنند و یا مانند رومیها و هندیها بر دوش خود حمایل کنند با تکلیف شرعی آن منافاتی نخواهد داشت. با توجه به همین نکته پوشید لباس جنبه تشریفاتی دارد و به منظور دور داشتن اجنبی از تماس با آنان صادر شده است قرآن مجید در سوره نور آیه ۶۰ می فرماید: والقواعد من النساء لا یرجعون نکاحا فلیس جناح ان یضعن ثباهن غیر متبرجات بزینة وان یرجعون خیر لهن. خانمهایی که از نظر جنسی بازنشسته اند و امیدواری ندارند که مورد توجه قرار بگیرند مجازند که این جامه زائد را فرو نهند در صورتی که با هیچ زینتی خود را مزین نکرده باشند. در عین حال اگر عفت اختیار کنند و با جامه جلباب و شل گشاد درانظار عمومی ظاهر شوند شایسته تر خواهد بود.

در این آیه گرچه کلمه [ثیابهن] جمع است ولی از نظر ادبی در حکم مفرد است. یعنی هر خانمی از خانمهای شوهردار می تواند یک جامه خود را کم کند و آن جامه ای که می تواند کم کند و بر زمین بگذارد همین جامه جلباب است که به عنوان شعار بر تن می کرده است نه ازاری که عورت او را می پوشاند و نه خماری که سربر او را می پوشاند.

ابوعبدالله صادق علیه السلام در ذیل این آیه کریمه که فرمود: [خانمهایی که از شوهر کردن ناامید شده اند مانعی ندارد که یک جامه خود را بر زمین بگذارند]. گفت: منظور آیه کریمه آن است که جلباب خود را بر تن نکشد ۱۷.

محمد بن مسلم می گوید از ابی جعفر باقر [ع] پرسیدم: [خانمهایی که حق دارند یک جامه خود را کم کنند کدام جامه را می توانند بر زمین بگذارند؟] ابوجعفر گفت: همان جلباب و شل گشاد ۱۸.

یک نفر از یاران حضرت رضا [ع] به آن سرور نوشت: [خانمهایی که از ظر جنسی متقاعد شده اند و هرگاه به من برسند می توانند سرو ساعد خود را آشکار و عریان نمایند چه کسانی هستند؟] آن سرور در پاسخ او نوشت: یعنی آن خانمهایی که امیدی به شوهر ندارند ۱۹.

در خاتمه مقاله به عرض خوانندگان می رسانم که در میان متکلمین و مفسرین آیه ۵۳ سوره احزاب به نام آیه حجاب شهرت یافته است. این آیه ربطی به حجاب خانمها ندارد زیرا ویژه همسران رسول خداست و به منظور خاص و ویژه ای نازل شده است.

اذا سالتهمون متاعا فاسئلوهن من وراء حجاب. ذلکم اظهار لقلوبکم و قلوبهن. هرگاه از خانمهای رسول خدا کالایی و متاعی به عاریت بخواهید از پشت پرده با آنان تماس بگیرید. این شیوه بیشتر به پاکی دلها و شما و دلهای آنان کمک خواهد کرد. بعد از نزول این آیه همسران پیامبر [ص] بر در خانه های خود پرده ای آویختند که اگر در را بر روی کسی باز کنند باز هم حجابی در میان باشد. به خاطر کلمه [حجاب] که در این آیه صریحا ذکر شده است نام آیه را حجاب نهاده اند ولی ربطی به سایر بانوان ندارد.

امه سلمه همسر رسول خدا می گوید: من خدمت رسول خدا صلوات الله علیه بودم. میمونه زوجه دیگر رسول خدا هم حاضر بود. ابن ام مکتوم دائی زاده حضرت خدیجه وارد شد. رسول خدا فرمود: بروید و پشت پرده بنشینید. ما گفتیم: یا رسول الله! مگر این مرد نابینا نیست؟ رسول خدا گفت: او نابیناست ولی شما که نابینا نیستید ۲۰.

در حدیث که رسول خدا به همسران خود می فرماید: [پشت پرده قرار بگیرد]. علت آن است که آیه کریمه وجود پرده را لازم می داند. پس این پرده باید میان طرفین حایل باشد و هر دو راز دید هم دور نگه دارد. اگر کوری آن مرد برای خودش پرده و حایل محسوب شود برای بانوان رسول خدا پرده و حایل محسوب نخواهد شد. از این روی رسول خدا به آنان فرمود: [پشت پرده و حاجب قرار بگیرند تا چشم آنان به اندازه و قواره نامحرم نیفتد] نا گفته نماند که برخی این حدیث را درباره همسر بانوان اسلامی عمومیت می دهند در حالی که اشتباه محض است و این حکم تشریفی مخصوص بانوان رسول خدا خواهد بود

۱. کافی ج ۱، ۱۱۸، صحیح کافی تحقیق محمد باقر بهبودی ج ۳، ۳۹۳.
۲. سوره نور آیه ۳۰.
۳. کافی ج ۲، ۳۳، بحار الانوار ج ۳۳، ۱۰۴ فقیه من لایحضر الفقیه ج ۱۱۴، ۱ وسائل الشیعه ج ۱، ۲۱۱.
۴. مجمع البیان طبرسی ج ۱۳۸، ۸ الدر المنثور سیوطی ج ۵، ۴۰.
۵. سوره مومن آیه ۵ سوره معارج آیه ۳۰.
۶. الدر المنثور ذیل آیه.
۷. تهذیب شیخ طوسی ج ۲، ۲۳، صحیح تهذیب حدیث ۱۰۳۵.
۸. تفسیر طبرسی الدر المنثور ذیل آیه.
۹. صحیح کافی حدیث ۱۹۵۱.
۱۰. صحیح من لایحضر الفقیه . تحقیق محمد باقر بهبودی حدیث ۵۶۳.
۱۲. فقیه من لایحضر الفقیه ج ۳، ۴۶۹، صحیح من لایحضر الفقیه حدیث ۱۳۰۵.
۱۳. صحیح کافی حدیث ۳۱۷۵.
۱۴. همان مدرک حدیث ۳۱۷۹ عیون اخبار الرضا ج ۲، ۱۹، تهذیب طوسی ج ۷، ۴۸۰، صحیح تهذیب حدیث ۳۳۳۸.
۱۵. صحیح کافی حدیث ۱۱۸۲.
۱۶. همان مدرک حدیث ۳۱۶۹ و ۱۱۸۲.
۱۷. همان مدرک حدیث ۳۱۶۵.
۱۸. همان مدرک حدیث ۳۱۶۶.
۱۹. صحیح تهذیب حدیث ۳۳۲۷.
۲۰. صحیح ترمذی ج ۴، ۱۹۱ ط مدینه مسند ابن حنبل ج ۶، ۲۹۶ سنن ابن داود کتاب لباس ۳۴. کافی ج ۵، ۵۳۴، وسائل الشیعه ج ۱۴، ۱۷۲.

پدید آورنده: محمد باقر بهبودی

منبع: دو ماهنامه حوزه، شماره ۴۲